

## بازاندیشی انتقادی در بهره‌گیری از آموزه‌ها برای تسهیلگری در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی (مطالعه موردی: دانشجویان دکتری دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران)

فاطمه اسکوهی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>دانش‌آموخته کارشناسی ارشد آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

F.Oskouhi@yahoo.com

بازاندیشی انتقادی در یک پروژه به معنای تفسیر تجارب و داده‌ها برای ایجاد بینش‌های جدید و توافق درباره فعالیت‌ها است. اگر کارگزار پروژه‌ای بتواند بحث منظم درباره این پرسش‌ها را با دست‌اندرکاران پروژه به پیش برده و مدیریت نماید، در مسیر بازاندیشی انتقادی قرار دارد. لذا تحقیق حاضر که از نوع توصیفی-همبستگی است با هدف بررسی نقش بازاندیشی انتقادی در یک پروژه در میان دانشجویان دکتری دانشکده‌های کشاورزی انجام شده است. ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای بود که روایی آن براساس پانل متخصصان و پایایی آن از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ( $\alpha > 0.7$ ) تعیین گردید. جامعه آماری تحقیق حاضر دانشجویان مقطع تحصیلی دکتری، پردیس کشاورزی دانشگاه تهران بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۹۷ نفر ( $N=255$ ) برآورد شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم-افزار SPSS<sup>Win18</sup> انجام شد. به منظور شناسایی عوامل بازاندیشی انتقادی موثر بر تسهیلگری در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی در میان دانشجویان دکتری دانشکده‌های کشاورزی، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد که نتایج نشان داد، متغیرها را می‌توان در شش عامل شرایط عمومی پروژه، اعضای تیم طرح، ساز و کار مدیریت برنامه، اقدامات در عرصه عملیاتی، فرصت‌های بیرونی و استناد خلاصه کرد. **واژه های کلیدی:** آموزه‌ها، بازاندیشی انتقادی، ترویج کشاورزی و توسعه روستایی.